

درنگی بر بیتی از «رستم و اشکبوس»

محمد امین شمسی نیا

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی و دبیر دبیرستان‌های شهرستان پیرانشهر

چکیده

بر آن است تا به استناد شواهد و دلایل، تلقی خود را از معنای حقیقی «شیر» و «عقاب» در بیت پیش‌گفته بیان دارد:

۱. بر کسی پوشیده نیست که سخنور توس از میان شیوه‌ها و شگردهای بیان، بهترین را برمی‌گزیند. یکی از این شگردها اغراق و بزرگ‌نمایی در توصیف صحنه‌ها، چهره‌ها

برفتند از آن جای شیران نر عقاب دلاور برآورد پر یکی از درس‌های فارسی (۱) پایه دهم (صفحه ۹۶) «رستم و اشکبوس» است. اگرچه این متن پیش از این نیز در کتاب ادبیات فارسی دوم متوسطه نظام آموزشی سابق بوده، در ویراست جدید، ابیاتی به ابتدای آن افزوده شده است. یکی از این ابیات، محل نقد و نظر فراوان همکاران در نشست‌های علمی و فضای مجازی شده است. اساساً این سؤال مطرح است که آیا در بیت مورد اشاره، «شیر» و «عقاب» حقیقت‌اند یا در معنای مجازی به کار آمده‌اند. در این نوشته برآنیم که با آوردن شواهدی، نشان دهیم که این دو واژه در معنای حقیقی به کار رفته‌اند.

کلیدواژه‌ها: رستم و اشکبوس، شیر، عقاب، مجاز، حقیقت، استعاره

مقدمه

ادبیات، به‌ویژه شعر، به سبب برخوردار بودن از عناصر خیال‌انگیز، بیشتر خواننده را به درنگ و تأمل وامی‌دارد. گاهی این درنگ و تأمل‌ها محل بحث و نقد و نظرها می‌شود و هرکس به فراخور داشته‌های خود یا با استناد به براهین خاص، از آن خوشه‌ها برمی‌چیند. شاید یکی از جاذبه‌های ادبیات نیز همین اختلاف‌نظرها و برداشت‌های دو یا چندگانه باشد. چنان‌که اشاره شد، در طرز تلقی از بیت فوق سخن بسیار گفته‌اند. نگارنده در ادامه

اگر بپذیریم که در
کوران آن نبرد، حتی
حیوانات که تابع حکم
غریزه‌اند و ترس و
وحشت آن‌ها آگاهانه
نیست از میدان نبرد
گریخته‌اند، خیال‌انگیزتر
و مبالغه‌آمیزتر است تا
فرار پهلوانان سوار بر
اسب از آوردگاه

۲. سخن از نبردی قریب‌الوقوع است. فردوسی آن چنان که سبک و شیوه‌اش است، می‌کوشد تابلویی بیافرند که رستاخیزی سخت نزدیک‌شونده را نوید دهد؛ رستاخیزی که در آن روشنایی در جهان نمی‌ماند. خورشید، بهرام، کیوان، کوه، سنگ و خاک آوردگاه نیز از سهم آن تأثیر می‌پذیرند و شیر و عقاب به‌عنوان بخشی از طبیعت میدان نبرد، همسو با دیگر پدیده‌ها متأثر می‌شوند و میدان را قبل از وقوع نبرد، برای حفظ جان ترک می‌کنند:

و ... است. به نظر نگارنده، اگر بپذیریم که در کوران آن نبرد، حتی حیوانات که تابع حکم غریزه‌اند و ترس و وحشت آن‌ها آگاهانه نیست از میدان نبرد گریخته‌اند، خیال‌انگیزتر و مبالغه‌آمیزتر است تا فرار پهلوانان سوار بر اسب از آوردگاه.



از آن پس، عقاب دلاور چهار
بیاورد و بر تخت بست استوار
(فردوسی، ۱۳۷۶: ۱۶۶)

عقاب دلاور بر آن راه شیر
نیرد، و گر چند باشد دلیر

(فردوسی، ۱۳۷۶: ۶۹۱)

از سوی دیگر، «برآوردن پر» به معنای حقیقی
عقاب را تقویت می‌کند. شواهدی در شاهنامه
وجود دارد که در آن‌ها «عقاب» استعاره از «اسب»
است اما قرینه صارفه در آن، خواننده را به روشنی
متوجه معنای مجازی می‌کند:

عقاب تکاور برانگیختم
چو آتش بدو بر تبر ریختم

(فردوسی، ۱۳۷۶: ۸۱)

در این بیت، قرائن کافی برای استعاره بودن عقاب
یافت می‌شود؛ هم صفت «تکاور» اسب را فرا یاد
می‌آورد و هم فعل «برانگیختن».

نتیجه‌گیری

بنابراین، با توجه به سیاق کلام فردوسی و قرائن
موجود در بیت، درمی‌یابیم که شیر و عقاب در
معنای حقیقی به کار رفته‌اند؛ چرا که هیچ قرینه‌ای
در کلام صارف ذهن به معنای مجازی نیست و در
ضمن، گریز شیر و عقاب از صحنه نبرد، با زمینه
اغراق‌آمیز کلام فردوسی تناسب بیشتری دارد.

ز گرد سپه روشنایی نماند
ز خورشید شب را جدایی نماند
ز تیر و ز پیکان هوا تیره گشت
همی آفتاب اندران خیره گشت
خروش سواران و اسبان ز دشت
ز بهرام و کیوان همی برگزشت
ز جوش سواران و زخم تبر
همی سنگ خارا برآورد پر
همه تیغ و ساعت ز خون بود لعل
خروشان دل خاک در زیر نعل
دل مرد بددل گریزان ز تن
دلیران ز خفتان بریده کفن
برفتند از آن جای، شیران نر
عقاب دلاور برآورد پر

(فردوسی، ۱۳۷۶: ۳۸۴)

۳. در بیت پیش‌گفته، هیچ قرینه‌ای دال بر مجازی
(استعاری) بودن شیر و عقاب نیامده است، «دلاور»
نیز نمی‌تواند صارف ذهن به معنای مجازی باشد؛
چرا که در ابیات دیگری نیز که عقاب در معنای
حقیقی آمده، به صفت «دلاور» موصوف گشته
است:

منابع

۱. فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۶). **شاهنامه**. دوره یک جلدی براساس چاپ مسکو. چاپ دوم، تهران: نشر قطره.
۲. گروه مؤلفان (۱۳۹۵). **فارسی (۱) پایه دهم دوره دوم متوسطه**. چاپ اول. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.